

## مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری محلی اصفهان در دوره معاصر

ابوالفضل حسن آبادی

تاریخ‌نگار محلی

### مقدمه

تاریخ‌نگاری محلی اصفهان به لحاظ موضوع، پیوستگی تاریخی و تاریخ‌نگاران محلی ویژگی‌هایی دارد که در مناطق دیگر کمتر مشاهده می‌شود. تاریخ‌نگاری محلی در اصفهان از قرن چهارم هجری با حافظ ابونعیم و ذکر اخبار اصفهان شروع شده و تا اواخر دوره قاجاریه و شکل‌گیری جریان جدید تاریخ‌نگاری محلی اصفهان ادامه داشته، هرچند در این دوره طولانی به شکلی مداوم صورت نگرفته است. با این همه، از اواخر قاجاریه تا دوره معاصر شاخصه‌هایی دارد که جایگاه ویژه‌ای به محلی‌نگاری اصفهان در ایران می‌دهد.

در این مقاله، تاریخ‌نگاری محلی اصفهان را در دوره معاصر بین سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۸۰ ش در قالب چهار دهه (از ۱۳۰۴ ش تا انتهای دهه ۱۳۴۰، دهه ۱۳۵۰، دهه ۱۳۶۰ و دهه ۱۳۷۰) بررسی می‌کنم و در کنار آن، به منظور روشن

ابوالفضل حسن آبادی (دانش‌آموخته دکتری تاریخ محلی دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۲). از ایشان کتاب‌های تاریخ شفاهی در ایران، سادات رضوی در مشهد، تاریخ شفاهی و مطالعات شهری و مقالات متعددی منتشر شده است.

Abolfazl Hassanabadi < ahassanabady1@yahoo.com >

ساختن سلسله نگارش تاریخ محلی مختصراً به اواخر دوره قاجار نیز می‌پردازم. انتخاب دروه‌های بررسی به تناسب میزان مقالات، کتاب‌های منتشره و تأثیر جریانات تاریخی بوده است. برای تبیین بهتر، تاریخ‌نگاری محلی اصفهان را ذیل سه مؤلفه موضوع، آثار و مورخان محلی‌نگار بررسی کرده‌ام. انتخاب این سه مؤلفه بر اساس تجربه‌ام در بررسی کتاب‌ها و مقالات تاریخ محلی در دوره معاصر بوده و امکان دارد سایر محققان مؤلفه‌های دیگری هم مطرح کنند. به منظور توضیح بیشتر مؤلفه‌های تعیین شده و سنجش تأثیرگذاری آنها، جداول آماری حاصل از بررسی مقالات و کتاب‌های تاریخ محلی اصفهان را نیز تهیه کرده‌ام. آنچه در آمارهای این پژوهش آمده است در مواردی مانند تشخیص بومی یا غیربومی بودن نویسندگان، محلی بودن یا غیرمحلی بودن آثار و حتی دسته‌بندی موضوعی ذیل مباحثی مانند کلیات، آثار و اماکن تاریخی، رجال محلی و موضوعات تاریخ محلی با احتمال خطا همراه است و ممکن است در فراهم آوردن آنها اشتباه اندکی صورت گرفته باشد که در ارزیابی نهایی تاریخ‌نگاری محلی اصفهان تأثیری ندارد. ارقام مذکور بر اساس بررسی پایگاه‌هایی کتابشناختی، مانند کتابخانه ملی و کتابخانه مرکزی آستان قدس، و همچنین بررسی محتوایی آثار و رجوع به کتابشناسی‌های تاریخ اصفهان فراهم آمده‌اند. با طرح مباحثی مانند عوامل مؤثر بر تاریخ‌نگاری محلی اصفهان در دوره معاصر و سنجش میزان اهمیت هر یک از آن عوامل و طرح جریانات محلی‌نگاری اصفهان و مهم‌ترین موضوعات آن سعی کرده‌ام با استفاده از روش آرشیوی و کتابخانه‌ای به تبیین بهتر موضوع بپردازم.

بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه محلی‌نگاری اصفهان در دوره معاصر نشان می‌دهد که مقالات این حوزه بیشتر به معرفی رجال و منابع تاریخی اختصاص دارند که از آن جمله‌اند "سه پاره سپاهانی"، "قافله مستدام عشق" و "مآخذشناسی مصلح‌الدین مهدوی".<sup>۱</sup> ارزش تحقیق حاضر آن است که تاکنون به روش کمی و کیفی به موضوع تاریخ‌نگاری محلی اصفهان پرداخته نشده و به جریان‌شناسی محلی‌نگاری در دوره معاصر کمتر توجه شده است. در ضمن، برای اولین بار به مبحث مقالات تاریخ محلی و شخصیت‌های محلی‌نگار

<sup>۱</sup> بنگرید به علیرضا ابادری، "سه پاره سپاهانی"، پیام بهارستان، سال ۲، شماره ۲ (بهار ۱۳۸۹)؛ عبدالمهدی رجایی، "قافله مستدام عشاق شهر فیروزه‌ای: نگاهی به اصفهان‌شناسان و آثار آنها"، فرهنگ اصفهان، شماره ۳۳-۳۴ (زمستان ۱۳۸۵)؛ محمدرضا زاده‌وش، "مآخذشناسی مصلح‌الدین مهدوی"، بینة پژوهش، شماره ۱۲۱ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۹).

اصفهان به صورتی ویژه پرداخته شده است.

## محلی‌نگاری در اصفهان از اواخر قاجار تا اوایل دوره پهلوی

محلی‌نگاری اصفهان از اواخر قاجاریه با مورخانی مانند میرزا حسین تحویلدار، محمد مهدی ارباب، سیدعلی جناب، میرزا حسن خان جابری انصاری، ندیم‌الملک اصفهانی، چراغعلی خان زند آغاز شد و تا اوایل دوره پهلوی ادامه یافت. روش محلی‌نگاری این دوره عمومی‌نگاری و توجه به مسایل مختلف در خصوص شهر اصفهان بود؛ از مسایل تاریخی و جغرافیایی تا زمینه‌های اجتماعی، معیشت مردم، اصناف، مشاغل و محلات. *جغرافیای اصفهان* میرزا حسین تحویلدار (۱۲۹۴) به لحاظ به دست دادن اطلاعاتی درباره اصناف و مشاغل شهر و جغرافیای محلات اصفهان ارزشمند است.<sup>۲</sup> *کتابچه جغرافیای دارالسلطنه اصفهان و بلوکات و توابع* که به دستور ظل‌السلطان در ۱۲۹۹ ق و به اهتمام سلیمان خان رکن‌الملک فراهم شد نیز به لحاظ بررسی جغرافیای طبیعی و بلوکات و توابع اصفهان حائز اهمیت است. *نصف جهان فی تعریف اصفهان* از محمد مهدی ارباب درباره کلیات اصفهان، سابقه تاریخی، بلوکات، توابع، مشاغل و از نظر آمارهایی که آورده است اطلاعات باارزشی دارد. تاریخ‌نگاری محلی اصفهان در قرن چهاردهم با *تاریخ اصفهان* میرزا حسن خان جابری انصاری شروع شد. این کتاب چهار جلدی شامل مطالبی درباره کلیات اصفهان، مباحث هویتی، سرگذشت ناموران هنری، جغرافیا و نواحی شهری است. میرزا حسن خان در زمره علما و بزرگان اصفهان و از روشنفکران زمان خود بود.<sup>۳</sup> *الاصفهان* میرزا سیدعلی جناب، که به نوعی دایرةالمعارف اصفهان نیز محسوب می‌شود، به لحاظ محتوا و عناوین دربرگیرنده اطلاعات به نوعی مکمل کتاب‌های قبلی به انضمام مطالب جدیدی است. این کتاب علاوه بر اطلاعات جغرافیایی کلی به اطلاعات جزئی‌تری مانند کوه‌ها، خانه‌ها، روزنامه‌ها و اصناف نیز پرداخته است.<sup>۴</sup> جناب آثار دیگری مانند فرهنگ مردم اصفهان، رجال و مشاهیر اصفهان و آثار و ابنیه تاریخی نیز دارد.<sup>۵</sup> در کنار

<sup>۲</sup> حسین بن محمد ابراهیم تحویلدار، *جغرافیای اصفهان: جغرافیای طبیعی و انسانی و آمار اصناف شهر*، به کوشش منوچهر ستوده (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۲)، ۳.

<sup>۳</sup> محمد حسن جابری انصاری، *تاریخ اصفهان*، تصحیح و تعلیق جمشید سروشیار (اصفهان: مشعل، ۱۳۷۸).

<sup>۴</sup> علی جناب، *الاصفهان* (اصفهان: نشر گله‌ها، ۱۳۷۱).

<sup>۵</sup> علی جناب، *آثار و ابنیه تاریخی اصفهان*، تدوین و تصحیح رضوان پورعصار (اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل، ۱۳۷۶).

این آثار، دو اثر مختصرتر با ارزش نیز به چاپ رسیده است. کتابچه *مدارس اصفهان و تاریخ مختصر اصفهان* ندیم‌الملک اصفهانی اطلاعاتی کم، اما با ارزشی دارند. *وقایع اصفهان* چراغعلی‌خان زنگنه، یگانه نویسنده غیربومی این دوره، به مناسبت شغلی که نویسنده در اصفهان داشته نوشته شده است.<sup>۶</sup> جریان محلی‌نگاری اصفهان در این دوره یکی از غنی‌ترین منابع تاریخ‌نگاری محلی در ایران را شامل می‌شود.

### بررسی تاریخ‌نگاری اصفهان در دوره معاصر

جریان معاصر محلی‌نگاری در اصفهان از اواخر دوره پهلوی اول شروع شده است که آن را بر اساس تقسیم‌بندی تاریخی محلی‌نگاری اصفهان در چهار مقطع و در دو مبحث مقالات و کتاب‌های تاریخی محلی بررسی خواهیم کرد. در این بررسی مؤلفه‌های تعیین‌شده را به شکل کمی و کیفی تجزیه و تحلیل می‌کنم.

#### ۱. از ۱۳۰۴ش تا انتهای دهه ۱۳۴۰

##### ۱.۱. مقالات

تعداد کل مقالات تألیفی درباره تاریخ محلی استان اصفهان در این دوره ۲۵۱ عنوان است که ۷۹ عنوان درباره آثار تاریخی، ۷۶ عنوان درباره رجال محلی، ۵۴ عنوان درباره موضوعات تاریخی و ۴۲ عنوان در کلیات بوده است. از این ۲۵۱ عنوان، ۲۴۲ مقاله مربوط به اصفهان، ۴ مقاله مربوط به اردستان، ۲ مقاله مربوط به شهرضا، ۲ مقاله درباره نطنز و ۱ مقاله درباره نائین است.

بررسی آماری محتوای مقالات نشان می‌دهد که دو عامل مهم آثار تاریخی و رجال محلی اصفهان مورد توجه نویسندگان بوده که با توجه به قدمت تاریخی و آثار و بناهای تاریخی امری بدیهی به شمار می‌رود. توجه به کلیات با ۳۹ مقاله درباره اصفهان حاکی از اهمیت کلی شهر اصفهان، بدون در نظر گرفتن موضوعی خاص، است. از مهم‌ترین مباحثی که در مقالات این دوره بدان توجه شده می‌توان به آثار تاریخی دوره صفویه، گذشته تاریخی اصفهان، رجال تاریخی، ادب، فرهنگ و شاعران معاصر، بازی‌های محلی و تاریخ‌نگاری مذهبی اشاره کرد.

<sup>۶</sup>آبادزی، "سه پاره سپاهانی"، ۱۳.

مقالات مذکور را ۱۰۷ نویسنده نوشته‌اند؛ به طور متوسط هر نویسنده بیش از دو مقاله نوشته است. نزدیک به دوسوم نویسندگان غیربومی و بقیه بومی‌اند. یک‌پنجم مقالات را چهار نویسنده برجسته بومی اصفهان در این دوره نوشته‌اند و علی‌رغم تعداد اندک نویسندگان اصفهانی، نیمی از مقالات تاریخ‌نگاری محلی اصفهان اثر آنهاست. بررسی نویسندگان غیربومی نشان می‌دهد که طیف وسیعی از افراد علاقه‌مند به زمینه‌های متفاوت درباره اصفهان اقدام به نگارش مقاله کرده‌اند؛ از سیدجلال طهرانی تا سعید نفیسی، محمدابراهیم باستانی پاریزی و محمدعلی اسلامی ندوشن. این امر نشان‌دهنده جذابیت موضوعی شهر اصفهان برای نویسندگان است. در بین ۱۰۷ مؤلف، چهار نویسنده اروپایی و دو نویسنده عرب نیز دیده می‌شوند. در میان غیربومی‌ها نویسنده شاخصی وجود ندارد. عباس اقبال با هفت مقاله تاریخی و محمدتقی مصطفوی با شش مقاله درباره آثار تاریخی بیشترین مقالات را نوشته‌اند. مهم‌ترین نویسندگان بومی در دوره منتهی به سال ۱۳۵۰ به نگارش پرداخته‌اند. صدر هاشمی با ۱۹ مقاله، هنرفر با ۱۶ مقاله، وحید دستگردی با ۱۱ مقاله، رجایی زفره‌ای با ۱۰ مقاله و سپنتا با ۵ مقاله در زمره پرکارترین‌ها هستند.

قدیمی‌ترین مقاله‌نویس محلی اصفهان وحید دستگردی (۱۲۵۸-۱۳۲۱ش) است که از اواخر دوره قاجاریه به نگارش مقاله پرداخته است. او در دستگرد اصفهان به دنیا آمد و به تحصیل در مدارس علمیه پرداخت. در نهضت مشروطه به آزادی‌خواهان پیوست و ضمن نوشتن مطلب در سایر روزنامه‌ها، روزنامه درفش کویان را منتشر کرد. در ۱۲۹۸ش، مجله وزین/رمغان را تأسیس کرد و شش مقاله تاریخ محلی خود را درباره اصفهان در این مجله به چاپ رساند. در شعر "لمعه" تخلص می‌کرد و علاقه‌اش به اصفهان را از شعری که درباره این شهر سروده می‌توان دریافت.

محمد صدر هاشمی (م. ۱۳۴۴ش) جایگاه برجسته‌ای در اصفهان‌شناسی دارد و مقالات فراوانی از او به جای مانده است. چنانچه عمرش کفاف می‌داد، با توجه به کثرت اطلاعات و قلمش، می‌توانست آثار باارزشی درباره اصفهان بنگارد.<sup>۷</sup> هنرفر اولین نویسنده‌ای است که با اخذ دکترای تاریخ در ۱۳۴۱ش به نوشتن در زمینه تاریخ اصفهان پرداخت. شانزده مقاله‌ای که تا آخر دهه ۱۳۴۰ نوشت

<sup>۷</sup>سیدفرید قاسمی، "محمد صدر هاشمی"، پیام بهارستان، سال ۱، شماره ۴ (تابستان ۱۳۸۸)، ۶۶.

بیشتر درباره آثار تاریخی اصفهان است و او به مهم‌ترین نویسنده در این زمینه بدل کرده است. رجایی زفره‌ای هم در این زمان شروع به مقاله‌نویسی کرد و آثارش در دهه‌های بعد بیشتر بالیدند. از دیگر نویسندگان بومی که در این دهه کمتر مقاله نوشته‌اند، اما جایگاه ویژه‌ای دارند می‌توان به نیکزاد حسینی، مصلح‌الدین مهدوی، سیروس شفقی و جلال‌الدین همایی اشاره کرد. فقدان نویسندگان قوی در شهرستان‌ها از نقاط ضعف این دوره است.

بررسی محل انتشار مقالات نشان می‌دهد که تا آخر دهه ۱۳۴۰، ۲۵۱ عنوان مقاله در ۳۷ نشریه به چاپ رسیده که ۶ مجله بومی و ۳۱ مجله غیربومی و در میان آنها، پنج نشریه تخصصی - یک نشریه در اصفهان و چهار نشریه در خارج از استان - و بقیه عمومی بوده‌اند. مهم‌ترین نشریه بومی فرهنگ اصفهان است که با چاپ ۲۰ مقاله در این زمینه اهمیت خود را تا دوره معاصر حفظ کرده است. در بین مجلات غیربومی، وحید ۳۶ مقاله، /رمغان ۳۳ مقاله، هنر مردم ۱۷ مقاله، پیام نوین ۱۱ مقاله، یادگار ۸ مقاله و یغما ۸ مقاله منتشر کرده و مهم‌ترین این مجلات‌اند. با احتساب فرهنگ اصفهان که ۲۰ مقاله منتشر کرده، چهار مجله وحید، /رمغان، فرهنگ اصفهان و هنر و مردم با ۱۰۵ مقاله حدود نیمی از مقالات را چاپ کرده‌اند. در مجموع، تأثیر مجلات عمومی غیربومی در این دهه بسیار بیشتر از مجلات بومی بوده است. تعداد کم نشریات تخصصی و مقالات آنها نشان‌دهنده فقدان موضوع‌گرایی تاریخی و توجه به کلیات و عمومی‌گرایی در اصفهان است. نویسندگانی مانند هنرفر، رجایی زفره‌ای و وحید دستگردی در مجلات غیربومی و صدر هاشمی در مجلات بومی مقالات خود را چاپ می‌کردند. علاقه‌مندی صدرهاشمی به بومی‌ها به سبب مطبوعاتی بودن و ارتباط خوب او با نشریات بود.

## ۲.۱. کتاب‌ها

تعداد ۳۸ کتاب در این دوره درباره تاریخ محلی اصفهان نوشته شد که ۳۷ عنوان آن درباره اصفهان و یک عنوان مربوط به نائین است. از ۳۸ عنوان مذکور، ۱۵ کتاب درباره کلیات، ۱۲ کتاب درباره آثار تاریخی، ۲ کتاب درباره رجال محلی و ۹ کتاب در موضوعات تاریخ محلی است. مهم‌ترین اتفاقات در حوزه کتاب‌های این دهه عبارت‌اند از تصحیح و چاپ کتاب‌های قدیمی

مانند *جغرافیای اصفهان و الاصفهان*؛ چاپ کتاب‌هایی برای معرفی و تبلیغ که افراد یا سازمان‌هایی خاص آنها را منتشر کرده‌اند، مانند *اصفهان*<sup>۸</sup> و *راهنمای اصفهان*؛ چاپ کتاب‌هایی با ماهیت تاریخی و تحقیقی مانند *جغرافیای تاریخی اصفهان*<sup>۹</sup> و *اصفهان در آیین زمان*؛<sup>۱۰</sup> چاپ کتاب با موضوعی خاص مانند *اصفهان دارالعلم شرق*؛ مدارس دینی اصفهان<sup>۱۱</sup> و *تاریخچه اوقاف اصفهان*؛<sup>۱۲</sup> چاپ کتاب در زمینه آثار باستانی و معرفی تحقیقی اماکن تاریخی اصفهان *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*<sup>۱۳</sup> و *بخشی از گنجینه آثار ملی*؛<sup>۱۴</sup> انتشار کتاب با موضوع رجال و افراد برجسته مانند *دانشمندان و بزرگان اصفهان*،<sup>۱۵</sup> *خاندان شیخ الاسلام اصفهان در طول چهارصد سال*<sup>۱۶</sup> و *مکارم الآثار*.<sup>۱۷</sup>

کتاب‌های مذکور را ۳۴ مؤلف فراهم آورده‌اند که در طیف متنوعی قرار می‌گیرند؛ از نویسندگان بومی و غیربومی گرفته تا افراد متخصص و غیرمتخصص که با انگیزه‌هایی متفاوت اقدام به نگارش کتاب کرده‌اند. بسیاری از این نویسندگان فقط یک کتاب در زمینه تاریخ اصفهان نوشته‌اند، مانند علی جواهر کلام، حسن عابدی، امین تبریزی، صادق هدایت و سیدجلال‌الدین تهرانی. این افراد به سبب علاقه شخصی در موضوعی کتاب نوشته و بعداً دیگر به آن نپرداخته‌اند. نویسندگانی هم هستند که تحقیق و پژوهش در زمینه اصفهان دغدغه فکری آنها بوده و در زمره اصفهان‌شناسان بنام به شمار می‌روند، مانند مصلح‌الدین مهدوی، هنرفر و عباس بهشتیان. در این دهه، چاپ کتاب‌های دوره قاجاریه و قبل آن نیز محل توجه بود و *محاسن اصفهان ما فروخی*، *وقایع اصفهان*

<sup>۸</sup> حسین نور صادقی، *اصفهان مشتمل بر چهار فصل تاریخ، جغرافیا، ابنیه و آثار شعرا و بزرگان* (اصفهان: چاپخانه سعادت، ۱۳۱۶).

<sup>۹</sup> علی جواهر کلام، *جغرافیای تاریخی اصفهان* (تهران: ابن سینا، ۱۳۴۸).

<sup>۱۰</sup> حسین احمدی، *اصفهان در آیین زمان* (تبریز: کتابخانه ملی تبریز، ۱۳۴۵).

<sup>۱۱</sup> مصلح‌الدین مهدوی، *اصفهان دارالعلم شرق*؛ مدارس دینی اصفهان، تحقیق و تصحیح و اضافات محمدرضا نیلفروشان (اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۵).

<sup>۱۲</sup> عبدالحسین سینتا، *تاریخچه اوقاف اصفهان* (اصفهان: سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۷۶).

<sup>۱۳</sup> الطفالله هنرفر، *گنجینه آثار تاریخی اصفهان* (اصفهان: شفقی، ۱۳۵۰).

<sup>۱۴</sup> عباسی بهشتیان، *بخشی از گنجینه آثار ملی* (اصفهان: جبل‌المتین، ۱۳۴۳).

<sup>۱۵</sup> مصلح‌الدین مهدوی، *دانشمندان و بزرگان اصفهان*، تحقیق و اضافات رحیم قاسمی و محمدرضا نیلفروشان (اصفهان: گلدسته، ۱۳۸۴).

<sup>۱۶</sup> مصلح‌الدین مهدوی، *خاندان شیخ‌الاسلام اصفهان در طول چهارصد سال* (اصفهان: گلبهار، ۱۳۷۱).

<sup>۱۷</sup> میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی، *مکارم الآثار در احوال رجال دوره قاجار* (اصفهان: مؤسسه نشر نفایش و محفوظات اصفهان، ۱۳۳۷).

چراغعلی خان زنگنه و *تاریخ اصفهان* ندیم‌الملک اصفهانی به چاپ رسیدند.<sup>۱۸</sup> در بین نویسندگان شهرستان‌های اصفهان مهم‌ترین نوشته را عبدالحجت بلاغی با نام *تاریخ نائین و انساب مردم نائین* چاپ کرد و کتاب مهم دیگری درباره شهرستان‌های استان در دست نیست.<sup>۱۹</sup>

از ۳۸ کتاب چاپ‌شده ۱۷ کتاب در تهران، ۱۵ کتاب در اصفهان، یک کتاب در همدان، دو کتاب در مشهد، یک کتاب در قم منتشر شده و دو کتاب نیز فاقد محل انتشار است. در این بین، دو کتاب را مراکز حمایتی و دولتی و ۱۲ کتاب را انتشارات خصوصی چاپ کرده‌اند. اداره اوقاف اصفهان و سازمان اوقاف تهران در زمره حامیان نشر کتاب در این حوزه بوده و کتاب *نصف جهان فی تعریف اصفهان* مشترکاً در تهران و اصفهان چاپ شده است. در مجموع، اولویت انتشار با ناشران خصوصی و بر اساس تلاش مؤلفان بوده است. در این دهه، ناشر مهمی بر روند نشر کتاب‌های تاریخ محلی تأثیر خاصی نگذاشته است.

حسین نور صادقی اولین تاریخ‌نگار این نسل است که به سال ۱۳۱۶ش پایان‌نامه کارشناسی خود را درباره اصفهان نوشت و به چاپ رساند.<sup>۲۰</sup> محتوا و سبک محلی‌نگاری این نسل تا حدودی با دوره‌های قبل متفاوت بود. تنوع در موضوعات و تخصص‌گرایی در نگارش مطالب تاریخ محلی نشان این تفاوت است. در این دوره، زمینه‌های شکل‌گیری نگاه تخصصی با انتشار مجلات تخصصی و عمومی پدید آمد و افزایش تعداد نویسندگان باعث مطرح شدن موضوعات جدید در محلی‌نگاری اصفهان شد.

## ۲. دهه ۱۳۵۰

### ۱.۲. مقالات

تعداد مقالات این دوره ۱۹۴ عنوان است که کاهش نسبی در تعداد مقالات به نسبت دوره قبل مشاهده می‌شود، اما با توجه به محدودتر بودن دوره زمانی قابل توجه است. از این تعداد، ۱۳ مقاله درباره شهرستان‌های استان،

<sup>۱۸</sup> ایادری، "سه پاره سپاهانی"، ۷۷۶.

<sup>۱۹</sup> عبدالحجت بلاغی، *تاریخ نائین* (تهران: اثر، ۱۳۶۹).

<sup>۲۰</sup> رجایی، "قافله مستدام عشاق"، ۱۰۴.



۲۰ مقاله درباره آبادی زفره و ۱۶۰ عنوان مقاله مربوط به شهر اصفهان است. از این ۱۳ مقاله، شهرضا یک مقاله، خور بیابانک دو مقاله، مورچه خورت یک مقاله، نطنز یک مقاله، نائین چهار مقاله، سامان یک مقاله، زواره یک مقاله و اردستان دو مقاله سهم برده‌اند. در این دهه، پراکندگی بیشتر تاریخ‌نگاری در شهرستان‌ها دیده می‌شود. نکته قابل توجه نگارش ۲۰ مقاله درباره یک آبادی است که محمدحسن رجایی زفره‌ای درباره روستای خود و در موضوعاتی ساده و گوناگون نوشته است که نوعی محلی‌گرایی روستایی به شمار می‌رود. از ۱۹۴ عنوان مقاله، ۶۱ عنوان به آثار تاریخی، ۱۶ مقاله به رجال محلی، ۸۴ مقاله به موضوعات تاریخ محلی پرداخته و ۳۳ مقاله درباره کلیات است که از تغییر نسبت بین مقالات حکایت می‌کند. با توجه به تعداد مقالات نسبت به دهه قبل، تعداد عناوین آثار تاریخی و کلیات به نسبت یکسانی کم شده است، اما هر چقدر از تعداد مقالات مربوط به رجال محلی کاسته شده، بر تعداد موضوعات تاریخی افزوده شده است. نبود نویسندگانی مانند صدر هاشمی که درباره رجال محلی بیشتر قلم می‌زدند و توجه به موضوعات قدیمی تاریخی از مهم‌ترین دلایل این تغییرات است. در این دهه، آثار تاریخی دوره صفویه مانند چهل‌ستون، چهارباغ، منارجنبان، هشت بهشت و اماکن جدیدی مانند کبوترخانه‌ها، مساجد و آرامگاه‌ها همچنان مورد توجه‌اند. در کنار اینها، درباره موضوعات جدید تاریخی مانند انتخابات، روزنامه‌ها، آب شرب و حتی تاریخچه دبیرستان نیز مقاله نوشته شده است.

نویسندگان ۱۹۴ مقاله مذکور ۹۲ نفر بوده‌اند که هر یک حدوداً دو مقاله در این حوزه نوشته‌اند. نسبت بین نویسندگان بومی و غیربومی گرچه به نفع نویسندگان غیربومی است، اما اهمیت نویسندگان بومی به لحاظ تعداد مقاله و ارزش مطالب محلی بیشتر است. مانند دوره منتهی به سال ۱۳۵۰، نویسندگان سرشناسی که تخصص آنها درباره اصفهان نبود هم درباره این شهر مطلب نوشته‌اند؛ مؤلفانی مانند احمد گلچین معانی، مدرسی چهاردهی، مجتبی مینوی، احمد اقتداری، پرویز ورجاوند، ایرج افشار و محمدتقی مصطفوی که در بین آنها، افشار با پنج و مصطفوی با چهار مقاله به ترتیب بیشترین مقالات را تألیف کرده‌اند.

در میان نویسندگان محلی بدون شک رجایی زفره‌ای با ۳۲ مقاله—که ۲۰ مقاله آن درباره زفره است—پرکارترین نویسنده این دوره بوده، هنرفر با ۱۵

مقاله بعد از او قرار دارد. نوشتن ۲۰ مقاله درباره یک روستا امری است که در دهه‌های بعد تکرار نشد. این مسئله نشان‌دهنده اهمیت نویسنده محلی و جایگاه او در معرفی یک مکان کوچک است. علاوه بر آن، از ۸۰ مقاله موضوعی تاریخی، ۲۸ عنوان آن را رجایی زفره‌ای نوشته که اهمیت کار او را در موضوع‌گرایی تاریخی نشان می‌دهد. هنر فر نیز ۱۵ مقاله درباره اصفهان نوشته که بیشتر آنها درباره آثار تاریخی و ادامه کارهای قبلی او هستند. از نویسندگان مهم دیگری که کمتر به مقاله پرداخته و کتاب‌های آنها ارزش بررسی دارد می‌باید به جلال‌الدین همایی، مصلح‌الدین مهدوی، مهریار، ابوالقاسم مهرآبادی و عباس بهشتیان اشاره کرد. مهدی اردستانی مهم‌ترین مورخ شهرستانی این دهه است. لطف‌الله هنر فر و داود اصفهانیان نویسندگان دانشگاهی این دهه‌اند و هفت نویسنده خارجی در این دهه ۱۰ مقاله درباره اصفهان نوشته‌اند.

مقالات محلی این دوره در ۳۸ مجله چاپ شده است و علی‌رغم کاهش مقالات، از تعداد مجلات کم نشده است. در این میان *ادبیات اصفهان*، *رستاخیز* و *سخنوران سپاهان* بومی‌اند و جمعاً ۲۰ مقاله را چاپ کرده‌اند. نسبت به دوره قبل، نشریات بومی ضعیف‌تر شدند و ۳۵ نشریه غیربومی سهم عمده‌ای در چاپ مقالات داشتند. از مهم‌ترین مجلات عمومی غیربومی می‌توان به *وحید* با ۳۲ مقاله، *هنر و مردم* با ۲۸ مقاله و *یغما* با ۸ مقاله اشاره کرد. *نقش ارمغان* با دو مقاله در چاپ مقالات کم‌رنگ شده است که با نبود *وحید دستگردی*، که اصفهانی بود، توجیه‌پذیر است. شش مجله تخصصی، از جمله *انجمن تاریخ*، *بررسی‌های تاریخی و ادبیات اصفهان*، در این دهه ۲۱ مقاله چاپ کرده‌اند که به نسبت کل کم است. نیمی از این مقالات (۱۰ مقاله) در *ادبیات اصفهان* به چاپ رسیده است. ضعف مجلات بومی و چاپ مقالات در تهران حاکی از ارتباط خوب نویسندگان اصفهانی با مرکز است. هنر فر همه مقالات خود را در *هنر و مردم* به چاپ رسانیده و رجایی زفره‌ای نیز با *وحید* ارتباط خوبی داشت. نقش سالنامه‌ها در این دوره کم‌رنگ شده و نشریات مختص تاریخ افزایش یافته‌اند. مجلات معماری نیز در این دهه کمتر محل توجه قرار گرفته که شاید با کم شدن نسبی مقالات درباره آثار تاریخی و موضوعات تخصصی معماری در این دوره مرتبط باشد.

## ۲.۲. کتاب‌ها

در دهه ۱۳۵۰، تعداد کتاب‌ها از ۳۸ عنوان به ۲۸ عنوان کاهش یافت که ۲۵ کتاب از آنها مربوط به استان اصفهان، یک کتاب درباره اردستان، یک کتاب درباره نطنز و یک کتاب درباره شهرضا بود. از این کتاب‌ها، ۹ کتاب درباره آثار و اماکن تاریخی، ۱۱ کتاب کلیات و هشت کتاب در موضوعات محلی و تخصصی بوده است. برخی از کتاب‌های این دهه درباره آثار باستانی اصفهان از نوآوری برخوردار نیستند، مانند *آثار ملی اصفهان*<sup>۲۱</sup> یا *راهنمای اصفهان هنرفر*. در زمینه موضوعات تاریخ محلی کتاب‌هایی بدیع تألیف شد که از آن جمله‌اند *جغرافیای اصفهان*<sup>۲۲</sup>، *بازی‌های باستانی کودکان اصفهان*<sup>۲۳</sup> و *تاریخ جلفای اصفهان*<sup>۲۴</sup>. *تاریخ اصفهان و تاریخ اصفهان ری و کل جهان*، تألیف میرزا احسن خان جابری انصاری، در زمره منابع مهمی‌اند که در این دوره چاپ شدند.<sup>۲۵</sup> از ویژگی‌های این دهه چاپ کتاب‌های حمایتی مراکز است. *سیاس‌گزاری از طبقات مختلف مردم اصفهان*، *نگاهی به اصفهان و بناهای تاریخی* به مناسبت جشن شاهنشاهی از آن جمله‌اند. از آثار بارز این دهه که تحولی در زمینه مطالعات اصفهان و اطراف به شمار می‌آیند می‌توان به *آتشکده اردستان* در سه جلد<sup>۲۶</sup> و *تاریخ شهرضا* اشاره کرد.<sup>۲۷</sup>

این ۲۸ کتاب را ۲۰ نویسنده تألیف کرده‌اند که هشت نفر غیربومی و بقیه بومی‌اند. افزایش نسبت نویسندگان بومی به غیربومی باعث رشد کتاب‌های موضوعی و تخصصی شد. نویسندگان این دوره طیف متفاوتی را در بر می‌گیرند؛ از مؤلفان دانشگاهی مانند سیروس شفق و لطف‌الله هنرفر گرفته تا معلمانی مانند محمد مهریار، نوروز جمشاد، عباس خالقی، لئون میناسیان و شاعران و رجال مذهبی محلی‌نگار مانند رفیعی مهرآبادی، عبدالحجت بلاغی.

<sup>۲۱</sup> ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، *آثار ملی اصفهان* (تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲).

<sup>۲۲</sup> سیروس شفق، *جغرافیای اصفهان* (اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۳).

<sup>۲۳</sup> نوروز جمشاد، *بازی‌های باستانی کودکان اصفهان* (اصفهان: بی‌نا، ۱۳۵۱).

<sup>۲۴</sup> هارتون دروهانیان، *تاریخ ارمنه*، ترجمه لئون میناسیان و محمدعلی موسوی فریدنی (اصفهان: نشر زنده‌رود و نقش خورشید، ۱۳۷۹).

<sup>۲۵</sup> هوشنگ مظاهری، "حاج میرزا احسن خان جابری انصاری: مؤلف تاریخ اصفهان"، *میراث جاویدان*، سال ۵، شماره ۳-۲ (۱۳۷۴)، ۱۸۳.

<sup>۲۶</sup> ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، *تاریخ اردستان* (تهران: دهخدا، ۱۳۵۲).

<sup>۲۷</sup> مسیح‌الله جمالی، *تاریخ شهرضا* (اصفهان: ثقی، ۱۳۵۵).

برخی از این نویسندگان صرفاً در زمینه موضوع تخصصی خود به تحقیق پرداخته‌اند، مانند لطف‌الله هنرفر و سیروس شفق‌ی و کلباسی، و بعضی در کنار سایر آثارشان به تألیف کتاب محلی خود پرداخته‌اند، مانند ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی که علاوه بر *آتشکده اردستان*، *آثار ملی اصفهان* را نیز نوشت یا عبدالحجت بلاغی که *تاریخ نائین* و *تاریخ منارجنبان اصفهان* را نوشته، در حالی که *تاریخ تهران* مهم‌ترین اثر او به شمار می‌رود.

از ۲۸ کتاب، ۱۶ کتاب در تهران و ۱۲ کتاب در اصفهان به چاپ رسیده است. سه کتاب را دانشگاه اصفهان، یک کتاب را کلیسای وانک و بقیه را ناشران خصوصی در اصفهان چاپ کرده‌اند. در تهران نیز چهار کتاب چاپ را ناشران دولتی و ۱۲ کتاب را ناشران خصوصی چاپ کردند. هرچند ناشران دولتی و سازمان‌های حمایت‌کننده به نسبت دهه قبل بیشتر شدند، اما ناشران خصوصی بیشترین تأثیر را بر چاپ کتاب‌های محلی داشتند.

### ۳. دهه ۱۳۶۰

#### ۱.۳. مقالات

در این دهه، تغییرات فراوانی در محلی‌نگاری اصفهان پدید آمد. تعداد مقالات با کاهش قابل ملاحظه‌ای به کمتر از نصف دوره قبل و یک‌سوم دهه ۱۳۴۰ رسید. از ۹۶ مقاله نگارش‌یافته، ۲۵ مقاله مربوط به آثار تاریخی، ۴۴ مقاله در موضوعات تاریخی، ۱۶ مقاله درباره رجال محلی و ۱۱ مقاله در کلیات است. پراکندگی مقالات در سطح استان نیز به نسبت دهه قبل کمتر شده و فقط اردستان با شش مقاله و جندق با یک مقاله سهمی در تاریخ‌نگاری این دوره دارند. بیشترین مقاله درباره یک محل را، مانند دهه قبل، رجایی زفره‌ای درباره آبادی زفره نوشته است. برای اولین بار سه مقاله درباره استان اصفهان، به صورت کلی، نوشته شده است.

از ۴۴ مقاله موضوعی، ۱۳ مقاله مربوط به آبادی زفره است که نشانه توجه کمتر به موضوع‌نگاری تاریخی است. از مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخ‌نگاری این دهه می‌توان توجه به تاریخ‌های خاندانی در چهار مقاله، عدم توجه به موضوعات تاریخ معاصر اصفهان به نسبت قبل، توجه به تاریخ‌نگاری انقلاب،

ضعف تاریخ‌نگاری عمومی در اصفهان و رشد محلی‌نگاری اردستان را برشمرد. تعداد ۳۸ مؤلف مقالات این دهه را نوشته‌اند که میانگین تألیف هر نفر ۲٫۵ مقاله است. نسبت نویسندگان بومی و غیربومی برابر است، اما مانند دوره‌های قبل، نویسنده غیربومی برجسته‌ای در این حوزه قلم نزنده است. رجایی زفره‌ای با ۱۴ مقاله - که ۱۳ مقاله مربوط به زفره است - و هنرفر با ۱۰ مقاله بیشترین سهم را دارند. نه مقاله هنرفر مربوط به آثار تاریخی است. احسان هاشمی اردستانی پنج مقاله درباره شهرستان‌های خارج از اصفهان نوشته است و بنابراین در این زمینه یگانه است. از دیگر نویسندگان بومی می‌توان به ساسان سپنتا، مصلح‌الدین مهدوی و سیروس شفقی اشاره کرد. شش مؤلف خارجی درباره اصفهان در این دهه مقاله نوشته‌اند که پنج مقاله مربوط به آثار تاریخی و یک مقاله در کلیات است. در مجموع، یک‌سوم مقالات را دو نفر نوشته‌اند که حاکی از قلت نویسندگان این دوره در این زمینه است.

مقالات این دهه در ۲۱ مجله به چاپ رسید که یک مجله بومی و ۲۰ مجله دیگر غیربومی بودند. کم شدن تعداد مجلات با توجه به کاهش مقالات منطقی است. چاپ ۲۱ مقاله در نشریات بومی اصفهان و ۷۵ مقاله در خارج از اصفهان اما نشان ضعف انتشارات بومی در این دهه است. از ۲۱ عنوان مجله، نقش مقالات تخصصی معماری و ساختمان‌سازی با انتشار ۲۱ مقاله در این دوره قابل توجه است. هنرفر مقالات خود را در معماری به چاپ رسانده و رجایی زفره‌ای نیز بیشترین مقالات خود را در مجلاتی مانند فروهر، سیمرخ و چیستا چاپ کرده است. فقدان مجلاتی مانند وحید و هنر و مردم در این دوره به چشم می‌آید. مهم‌ترین مجله عمومی این دهه آینده است که ۱۶ مقاله در آن به چاپ رسیده است. وجود این مجله با توجه به عدم چاپ مجلات عمومی دیگر برای چاپ مقالات نویسندگان کمترشناخته شده مهم بود. از دیگر مجلات مهم می‌توان به کیهان فرهنگی با ۸ مقاله درباره رجال محلی اصفهان، نامه فرهنگ/یران با پنج مقاله، فروهر با چهار مقاله و مجله تخصصی معماری با ۱۴ مقاله، اثر با سه مقاله و ساختمان با دو مقاله اشاره کرد.

### ۳٫۲. کتاب‌ها

تعداد کتاب‌های تاریخ محلی در دهه ۱۳۶۰ کاهش بسیار یافت و به ۱۶ کتاب

رسید. چهارده کتاب مربوط به اصفهان، یک کتاب درباره نائین و یک کتاب درباره اردستان منتشر شد. از این ۱۶ کتاب، هفت کتاب در کلیات، شش کتاب درباره رجال محلی، دو کتاب در موضوعات تاریخی و یک کتاب درباره آثار تاریخی است. کم‌رنگ شدن مبحث آثار و موضوعات تاریخی در کنار پررنگ شدن کتب رجالی و تاریخ شهرستان‌ها از ویژگی‌های این دهه است.

مهم‌ترین کتاب‌های این دوره سرگذشت رجال و بزرگان است، مانند تذکره سخنوران نائین، فهرستی از سادات اصفهان، بیان المفاخر و سبل الهدایه. دوازده نویسنده ۱۶ کتاب این دوره را تألیف کرده‌اند که سه نویسنده خارجی، یک نویسنده غیربومی و هشت نفر بومی بوده‌اند. کم‌رنگ شدن نقش نویسندگان دانشگاهی از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری این دوره است. مصلح‌الدین مهدوی را می‌توان مهم‌ترین نویسنده این دهه دانست که با دو کتاب باارزش در زمینه تاریخ‌نگاری مذهبی خاندانی سهم عمده‌ای در تاریخ‌نگاری محلی این دوره داشته است. از ۱۶ ناشر کتاب‌های تاریخ محلی سه ناشر در اصفهان، هشت ناشر در تهران، دو ناشر در بیروت، یک ناشر در قم و یک ناشر در امریکا فعالیت می‌کردند. سهم ناشران بومی برای اولین بار کاهش بسیار داشت و سه ناشر خارجی هم در بین ناشران غیربومی حضور دارند. از ناشران بومی دو ناشر خصوصی و دو ناشر دولتی‌اند و از ناشران غیربومی دو ناشر دولتی و بقیه خصوصی‌اند. برای اولین بار یک ناشر مؤلف (بهشتی‌نژاد) حضور دارد، اما ناشر عمده‌ای نبود که بر افزایش تعداد کتاب‌ها مؤثر باشد.

#### ۴. دهه ۱۳۷۰

##### ۱.۴. مقالات

عناوین مقالات نگاشته‌شده در این دهه ۲۲۶ عنوان را در بر می‌گیرد که ۳۶ مقاله مربوط به آثار تاریخی، ۲۲ مقاله درباره رجال محلی، ۳۵ مقاله در کلیات و ۱۳۳ مقاله در موضوعات تاریخی بوده است. شش مقاله درباره اردستان منتشر شده و درباره گلپایگان، زواره، نطنز، خوانسار و خور هر کدام یک مقاله نوشته شده است. درباره نائین پنج مقاله نوشته و منتشر شده است که رشد اندکی را نسبت به قبل نشان می‌دهد. شهرهایی مانند اردستان و نائین و آبادی زفره مقالات مختص به خود دارند و برای اولین بار درباره خوانسار، گلپایگان

و خور مطلبی نوشته شده است. بررسی نسبت بین مقالات نشان می‌دهد که تغییرات فراوانی در موضوعات ایجاد شده است. مقالات مربوط به آثار تاریخی که معمولاً یک‌چهارم تا یک‌پنجم مقالات را در بر می‌گرفت به حدود یک‌هفتم کاهش یافتند. مقالات درباره کلیات و رجال محلی نیز تا حدودی کاهش یافت، اما نیمی از کل مقالات به موضوعات تاریخی پرداختند که در مقایسه با دهه‌های قبل افزایش چشم‌گیری داشته و نشان‌دهنده موضوع‌گرایی در محلی‌نگاری اصفهان در این دهه است. مهم‌ترین ویژگی‌های محلی‌نگاری این دوره عبارت‌اند از

- تنوع بیشتر موضوعات مطرح‌شده به نسبت قبل و حوزه‌های متفاوت بررسی‌ها.
- توجه به موضوعات تاریخ شهری و شهرسازی، مانند معماری شهری در اصفهان و مکتب اصفهان در شهرسازی، بررسی تحلیلی بافت کهن شهر اصفهان و خانه‌های اصفهان در دوره معاصر.
- توجه به موضوعات کاربردی و ملموس، مانند واژه‌های کشاورزی اردستان و قنات‌های نائین و نقش قنات‌ها در معماری شهری.
- توجه به وقف با ۱۶ مقاله و توجه به تاریخ‌نگاری مذهبی و خصوصاً مساجد با ۱۶ مقاله.
- افزایش نقش دانشگاه‌ها در تبیین موضوعات محلی و تولید مقالات.
- کاهش توجه به آثار تاریخی اصفهان به منزله یکی از زمینه‌های اصلی محلی‌نگاری در اصفهان.
- اهمیت یافتن تاریخ مطبوعات.
- عدم توجه به موضوعات جدید متناسب با نیازهای تاریخی روز.

نویسندگان مقالات این دوره ۱۳۵ نفر بودند که به‌طور متوسط هر کدام ۱،۵ مقاله نوشته‌اند و نسبت بین نویسندگان غیربومی به بومی بیشتر شده است. نکته قابل توجه آنکه برخی نویسندگان بومی، مانند هنرفر و رجایی زفره‌ای، در این دهه کم‌کار شده‌اند و نشانی از آنها نیست. از نویسندگان بومی اصفهانی می‌توان به محمدحسین ریاحی، مهدی سجاد نائینی، رسول جعفریان، رجایی زفره‌ای، هنرفر، نورالله کسایی، مصلح‌الدین مهدوی، لقمان دهقان نیری و مینا رهبریان اشاره کرد که محمدحسین ریاحی با ۱۲ مقاله بیشترین تعداد مقالات را نوشته است. یک زن نیز برای اولین بار در مقام نویسنده تاریخ‌نگاری

محلی در این دهه قلم زده است. حضور پررنگ نویسندگان دانشگاهی بومی از ویژگی‌های این دهه است. پرکارترین نویسنده دانشگاهی تا قبل از این دهه لطف‌الله هنرفر، پایه‌گذار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، بود و در این دهه افرادی مانند لقمان دهقان نیری، مهدی مهرعلیزاده، علی اصغر منتظر قائم و محمد نظری هاشمی به جرگه نویسندگان پیوستند که حاکی از قوت گرفتن تدریجی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان به مثابه عاملی تأثیرگذار بر تاریخ‌نگاری محلی تخصصی است. نویسنده برجسته شهرستانی در این میان به چشم نمی‌آید، اما احسان‌الله هاشمی و سجادی نائینی در حوزه اردستان و نائین مقاله نوشته‌اند.

مقالات این دهه در ۶۰ مجله به چاپ رسیده است که چهار مجله بومی و ۵۶ مجله غیربومی بوده‌اند. چهار مجله ادبیات/اصفهان، فرهنگ/اصفهان، زنده‌رود و حوزه/اصفهان نشریاتی محلی بودند که ۷۴ مقاله را چاپ کردند. فرهنگ/اصفهان با چاپ ۵۳ مقاله (یک‌چهارم کل مقالات) مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نشریه محلی اصفهان در ادوار مختلف تاریخ‌نگاری است. در میان این ۶۰ مجله، پنج مجله دانشگاهی و ۱۸ مجله تخصصی نیز وجود دارد. پنج مجله شهرسازی و معماری ۲۰ مقاله چاپ کردند و نسبت به دهه قبل، با توجه به افزایش تعداد مقالات، نقشی کم‌رنگ‌تر دارند. در بین مجلات غیربومی وقف: میراث جاویدان بیشترین تعداد مقاله را در این حوزه چاپ کرده است. پراکندگی چاپ مقالات در مجلات نشان‌دهنده نبود نویسندگان شاخص است و با توجه به شاخص ۱٫۵ مقاله برای هر نویسنده مشخص می‌شود که بسیاری از مقالات به صورت موردی نوشته شده‌اند که حاکی از عدم علاقه خاص نویسندگان به این زمینه خاص است.

در بین مجلات دانشگاهی و تخصصی این دهه، مجله دانشکده ادبیات/اصفهان با چاپ ۱۱ مقاله و مجلات تخصصی معماری و شهرسازی و اثر با چاپ نه مقاله بیشترین مشارکت را در نشر مقالات این حوزه داشته‌اند. رشد تاریخ‌نگاری محلی اصفهان در این دهه مدیون فرهنگ/اصفهان است که بستر مناسبی برای چاپ مقالات تاریخ محلی پدید آورد.

#### ۲.۴. کتاب‌ها

در دهه ۱۳۷۰ شاهد رشد کمی تاریخ‌نگاری محلی هستیم. تعداد کتاب‌ها به ۵۹ عنوان می‌رسد؛ ۵۱ عنوان درباره اصفهان و پنج عنوان درباره نائین و درباره



مبارکه، زواره و نجف‌آباد هر کدام یک عنوان. به نسبت افزایش تعداد کتاب‌ها، پراکندگی تاریخ‌نگاری محلی در سطح استان افزایش نیافته است. از این ۵۹ عنوان، نه کتاب مربوط به آثار تاریخی، ۳۱ کتاب در کلیات، نه کتاب دربارهٔ رجال محلی و ۱۰ کتاب در موضوعات تاریخ محلی نوشته شده است. کلی‌نگری در تاریخ‌نگاری محلی اصفهان، مانند دههٔ قبل، وجه غالب است. آثار مانند *تاریخ اصفهان همایی شیرازی، آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، اصفهان بهانه بود ایرانم آرزوست علی سربندی، اصفهان تصویر بهشت، اصفهان از نگاهی دیگر و نگاهی کوتاه به تاریخ بلند اصفهان* از این دست کتاب‌ها هستند. در عین حال، توجه به آثار تاریخی و نگاه هنری به اصفهان نیز بعد از وقفه‌ای مجدداً مورد توجه قرار گرفت. آثاری مانند *اصفهان: موزهٔ زنده، وقف بناهای مشهور اصفهان، دیدنی‌های اصفهان و معماری مسجد حکیم* از این دست‌اند. با توجه به افزایش تعداد کتاب‌ها و تنوع نویسندگان، توقع می‌رفت آثاری دربارهٔ دورهٔ معاصر و با نگاهی تخصصی‌تر نگاشته شود، ولی نگاه تاریخی به گذشته بر آثاری مانند *جنگ گلون‌آباد، اصفهان از دید سیاحان خارجی، تاریخ جلفای اصفهان و برج‌های کبوتر اصفهان حاکم* است. در این دهه، پنج کتاب دربارهٔ نائین نوشته شده که غیر از اصفهان، از سایر شهرستان‌ها بیشتر است.

هفت نویسندهٔ خارجی، هفت نویسندهٔ غیربومی و ۳۸ نویسنده بومی و مجموعاً ۵۲ نفر کتاب‌های این دهه را نوشته‌اند. برخی از این افراد مؤلفانی بودند که علاقه به موطن و انگیزه‌های علمی آنها را به نوشتن ترغیب کرده است، مانند حسین امامی نائینی، مهدی سجاد نائینی، جلال‌الدین همایی شیرازی، محمدحسن رجایی زفره‌ای و برخی فقط با انگیزهٔ علمی ر اقدام به نگارش نموده‌اند که بیشتر هم به موضوعات تاریخی و آثار باستانی پرداخته‌اند که از آن جمله‌اند *پژوهشی در سقاخانه‌ها و سنگاب‌های اصفهان، تخت فولاد و تاریخ تئاتر اصفهان*. اولین کتاب مربوط به زنان در اصفهان، تحت عنوان *مشاهیر زنان اصفهان از گذشته تا عصر حاضر*، را ریاحی بر اساس یادداشت‌های مصلح‌الدین مهدوی به چاپ رسانید.

از ۵۹ عنوان کتاب، ۲۱ عنوان در تهران، ۳۱ عنوان در اصفهان، دو عنوان در نجف‌آباد، دو عنوان در قم، دو عنوان در بیروت و یک عنوان در شهر کرد به چاپ رسیده است. چاپ کتاب در شهرستان‌های اصفهان و پیشی گرفتن ناشران بومی

حاکمی از تأثیر ناشران بومی بر افزایش چاپ کتاب‌های محلی است. یکی از دلایل مهم در اهمیت ناشران محلی نقش انتشارات گل‌ها در چاپ کتاب‌های اصفهان است. این انتشارات شش کتاب را که قرار بود به مناسبت چهارصدمین سال پایتختی اصفهان منتشر شود، به چاپ رساند. بیست‌وپنج ناشر بومی ۳۱ عنوان کتاب را به چاپ رسانیده‌اند که از بین آنها هشت ناشر دولتی و مابقی خصوصی بودند. از ۲۴ ناشر غیربومی نیز نه ناشر دولتی و بقیه خصوصی بودند.

## ارزیابی نهایی

بررسی سه مؤلفه موضوع، مورخ و انتشارات نشان می‌دهد که این سه از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نگارش مقالات و کتاب‌های محلی در اصفهان در دوره معاصر بوده‌اند. البته، نسبت تأثیر آنها بر تألیف و تولید کتاب‌ها و مقالات متفاوت است. بررسی موضوعات تاریخ محلی مشخص می‌کند که با توجه به قدمت تاریخی شهر اصفهان، مقالات به نگارش درآمده بیشتر درباره گذشته و دوره صفویه بوده و در کتاب‌ها هم عمده توجه به همین گذشته تاریخی و خصوصاً بناهای تاریخی این دوره معطوف بوده است. این مسئله گاهی موجب شده است که موضوعات تاریخ معاصر کمتر مورد پژوهش قرار گیرد. در مجموع، موضوعات مطرح شده در کتاب‌ها و مقالات تاریخ محلی اصفهان مبتنی بر گذشته‌نگری با تأکید بر بناهای تاریخی در دوره صفویه است. در خصوص مورخان باید گفت که نقش مورخان بومی در نگارش کتاب‌های تاریخ محلی نسبت به مقالات پررنگ‌تر بوده است و میزان مقالات محلی مورخان غیربومی نشان می‌دهد که شهر اصفهان محلی جذاب برای آنها بوده است. گذشته تاریخی اصفهان از دلایل اصلی علاقه‌مندی مورخان غیربومی است و تفاوت‌چندانی در نوع نگارش و نگاه به موضوعات در هر دو گروه دیده نمی‌شود. علاقه به خاک، که از شاخصه‌های محلی‌نگاری است، در کتاب‌های تاریخ محلی نمود داشته و نقش مورخان بومی در نگارش کتاب‌های تاریخ محلی اهمیت بیشتری دارد. بیشتر مورخان بومی و غیربومی تحصیلات مرتبط با تاریخ نداشته و بیشتر در چارچوب علایق خود به کار پرداخته‌اند. مجلات محلی تأثیر بیشتری بر تسهیل چاپ مقالات دارند، هرچند ناشران محلی نیز در افزایش تعداد کتاب‌های تاریخ محلی بی‌تأثیر نبوده‌اند. در کنار اینها، نقش حمایتی مراکز—خصوصاً بعد از انقلاب—در نگارش و چاپ کتاب‌های تاریخ

محلی اصفهان مهم بوده است. در کنار این سه مؤلفه، شرایط سیاسی مانند پیروزی انقلاب اسلامی و گسترش آموزش عالی تأثیری مستقیم بر محلی‌نگاری اصفهان داشته است. در مجموع، محلی‌نگاری در اصفهان بیشتر مبتنی بر خواست‌ها و تلاش علاقه‌مندان به تاریخ محلی بوده تا اینکه جریان هدفمندی باشد که دانشگاه‌ها یا مراکز حمایتی آن را هدایت کنند. این امر باعث شده است که موضوعات مطرح در تاریخ محلی بیشتر از آن که برآمده از وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اصفهان در دوره معاصر باشد، دربرگیرندهٔ علایق، خواست‌ها و آرزوهای تاریخ‌نگاران محلی این دوره بوده است. این امر باعث شده تا محلی‌نگاری اصفهان در دوره معاصر در واقع ادامهٔ محلی‌نگاری گذشته باشد و از حیث محتوا تفاوت چندانی با گذشته ندارد.

جدول ۱. پراکندگی مکانی و محتوایی مقالات تاریخ‌نگاری محلی اصفهان

شهر	دسته‌بندی موضوعی	از ۱۳۰۴ تا پایان دهه ۱۳۴۰	دهه ۱۳۵۰	دهه ۱۳۶۰	دهه ۱۳۷۰	جمع
اصفهان	کلیات	۳۹	۲۴	۱۱	۳۴	۱۰۸
	موضوعات محلی	۵۴	۶۴	۲۶	۱۲۱	۲۶۵
	رجال محلی	۷۶	۱۶	۱۶	۲۱	۱۲۹
	آثار و اماکن تاریخی	۷۳	۵۶	۲۴	۳۳	۱۸۶
اردستان	کلیات	۲	۱	۱	-	۴
	آثار و اماکن تاریخی	۲	۱	-	-	۳
	موضوعات محلی	-	-	۵	۴	۹
نایین	آثار و اماکن تاریخی	۱	۳	-	-	۴
	رجال محلی	-	-	-	۱	۱
	موضوعات محلی	-	۱	-	۱	۲
	آثار و اماکن تاریخی	-	-	-	۳	۳
شهرضا	کلیات	۱	۱	-	-	۲
	آثار و اماکن تاریخی	۱	-	-	-	۱
نطنز	آثار و اماکن تاریخی	۲	-	-	-	۲
	موضوعات محلی	-	-	-	۱	۱

۱	-	-	۱	-	کلیات	مورچه خورت
۲	-	-	۱	-	آثار و اماکن تاریخی	جندق
۱	-	۱	-	-	موضوعات محلی	
۳۵	۳	۱۲	۲۰	-	موضوعات محلی	آبادی زفره
۲	۱	-	۱	-	کلیات	زواره
۱	۱	-	-	-	موضوعات محلی	
۱	-	-	۱	-	کلیات	سامان
۱	-	-	۱	-	کلیات	انارک
۱	۱	-	-	-	موضوعات محلی	گلپایگان
۱	۱	-	-	-	موضوعی محلی	خوانسار
۱	۱	-	-	-	موضوعات محلی	خور

جدول ۲. مجلات بومی و غیربومی درباره تاریخ محلی اصفهان

دهه	مجلات بومی	مجلات غیربومی	عمومی	تخصصی	مقالات بومی منتشر شده	مقالات غیربومی منتشر شده	مقالات تخصصی	مقالات عمومی
از ۱۳۰۴ تا پایان دهه ۱۳۴۰	۶	۲۱	۳۲	۵	۴۹	۱۹۶	۱۸	۲۲۴
دهه ۱۳۵۰	۳	۲۵	۳۲	۶	۲۰	۱۶۱	۲۱	۱۶۰
دهه ۱۳۶۰	۱	۲۰	۱۵	۵	۱	۷۵	۲۳	۵۳
دهه ۱۳۷۰	۴	۵۶	۴۲	۱۸	۷۴	۱۶۸	۶۵	۱۷۷

جدول ۳. پراکندگی مکانی و محتوایی کتاب‌های تاریخ محلی اصفهان

نام شهر	دسته‌بندی موضوعی	از ۱۳۰۴ تا ۱۳۴۰ پیاپی دهه	دهه ۱۳۵۰	دهه ۱۳۶۰	دهه ۱۳۷۰	جمع کل
اصفهان	کلیات	۱۴	۹	۳	۲۴	۵۰
	رجال محلی	۲	۸	۶	۹	۲۵
	موضوعات محلی	۱۰	۸	۴	۹	۳۱
	آثار و اماکن تاریخی	۱۲	-	۲	۹	۲۳
نائین	کلیات	۱	-	-	۴	۵
	رجال محلی	-	-	۱	-	۱
	موضوعات محلی	-	-	-	۱	۱
اردستان	کلیات	-	۱	۱	-	۲
نطنز	آثار و اماکن تاریخی	-	۱	-	-	۱
شهرضا	آثار و اماکن تاریخی	-	۱	-	-	۱
زواره	کلیات	-	-	-	۱	۱
مبارکه	کلیات	-	-	-	۱	۱
نجف آباد	کلیات	-	-	-	۱	۱
خور	موضوعات محلی	-	-	-	۱	۱

جدول ۴. پراکندگی نشر کتاب‌های تاریخ محلی اصفهان

نام شهر	از ۱۳۰۴ تا پایان دهه ۱۳۴۰	دهه ۱۳۵۰	دهه ۱۳۶۰	دهه ۱۳۷۰	جمع کل
اصفهان	۱۵	۱۲	۴	۳۱	۶۲
تهران	۱۷	۱۶	۶	۲۱	۶۴
مشهد	۲	-	-	-	۲
قم	۲	-	۱	۲	۵
بیروت	-	-	۲	۲	۴
بغداد	-	-	۱	-	۱
نجف آباد	-	-	-	۲	۲
همدان	۱	-	-	-	۱
شهرکرد	-	-	-	۱	۱
شهریار	-	-	۱	-	۱
	۳۷	۲۸	۱۸	۵۹	۱۴۲

جدول ۵. نویسندگان بومی و غیربومی کتاب‌های تاریخ محلی اصفهان

دهه	بومی	غیربومی	نویسنده خارجی	متفرقه	تعداد کتاب‌ها

۳۸	۲	۳	۱۰	۲۵	از ۱۳۰۴ ش تا پایان دهه ۱۳۴۰
۲۸	۱	۴	۸	۱۲	دهه ۱۳۵۰
۱۷	۱	۳	۱	۹	دهه ۱۳۶۰
۵۹	۱	۷	۷	۳۸	دهه ۱۳۷۰
۱۴۲	۵	۱۷	۳۲	۸۴	جمع

